

## بازخوانی یک مذاکره پنهانی با حکومت اسلامی

### کشتار وین و ترور عبدالرحمن قاسملو و همراهان

عباس منصوران

عبدالرحمان قاسملو دبیرکل وقت حزب دمکرات کردستان ایران در وین و با دسیسه‌ی در یک گفتگوی سیاسی با نمایندگان دولت هاشمی رفسنجانی، در تیر ماه سال ۱۳۶۸ ترور شد. در کشتار وین، محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور وقت ایران یکی از افراد لجستیک جوخه ترور بود. در سال ۱۳۶۷، مأموریتی از سوی، هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری وقت به سپاه قدس که عملیات برون مرزی را به عهده داشت، ابلاغ شد. حذف فیزیکی رهبران حزب دموکرات کردستان ایران در دستور کار بود. برنامه ریزی به عهده‌ی یکی از فرماندهان سپاه قدس، به‌نام حاج (غفور درجزی دولق) بود. او سپس رئیس حراست صدا و سیمای جمهوری اسلامی شد. عملیات در دو مرحله می باید انجام می گرفت و انجام گرفت:

مرحله اول، به میانجی خواندن جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی و احمد بومدین رئیس جمهور پیشین الجزایر و پیشنهاد گفتگو و رسیدن به سازشی پیرامون حل مسالمت آمیز مسئله کردستان، از سوی حکومت اسلامی به دکتر عبدالرحمن قاسملو داده شد. این یک دام و پاشیدن دانه بود. توافق صوری انجام شد. در مرحله دوم، چند ماه بعد، می باید گفتگوها و توافق نهائی انجام و «توافقنامه» امضاء می شد و حکومت اسلامی با مسلسل توافق نامه نهایی را امضا می کرد. ترور رهبران حزب دموکرات کردستان در این مرحله می باید انجام می گرفت. برای پیش برد این ترور، سه تیم تشکیل شدند: ۱ - تیم گفتگو کننده که «حاج غفور»، با نام مستعار و پاسپورت «امیر منصور بزرگیان» عضو آن و رابط با دو تیم ترور بود. ۲ - دو تیم ترور، یکی در برگیرنده‌ی «ناصر تقی پور» و «عسکری» (مصطفی مصطفوی) و دیگری به سرپرستی «محمود احمدی نژاد». رابطه تیم اول به سفارت ایران در وین، احمدی نژاد بود که اسلحه را از سفارت گرفته و به دو عضو تیم ترور داد.



غفور درجزی دولق، از فرماندهان سپاه قدس، مدیر پیشین صدا و سیما و... با سه نام حاج غفور درجزی، مصطفی مدیر و امیر منصور بزرگیان (با این نام به اتریش برای قتل قاسمو گسیل شد) مدیر عامل فعلی باشگاه سایپا.

گفتگو در ۱۸ و ۳۰ دسامبر ۱۹۸۸ (۱۳۶۷)، در وین، پایتخت اتریش انجام گرفت. ۹ دی سال ۱۳۶۷ اولین دور گفتگوها با حضور جلال طالبانی آغاز می شود. دکتر قاسملو و عبدالله قادری آذر نماینده حزب دمکرات در پاریس از طرف کردها و محمد جعفری صحرارودی و مصطفی آجودی از طرف جمهوری اسلامی حضور دارند. جلال طالبانی هم در این دیدار حضور داشتند.

آقای قاسملو در این نشست با چراغ سبز حکومت اسلامی، خواهان خودمختاری برای کردستان است که می بایست حدود استان کردستان مشخص می شد، رسمیت زبان کردی پس از زبان فارسی در استان، و جذب نیروهای پیشمرگ کرد به عنوان پلیس محلی حکومت اسلامی در استان کردستان پذیرفته می شد. بورژوازی کرد از سهم قدرت و اقتصاد همین را می خواست. نشست نخست، به بهانه مشورت با تهران به بعد واگذار می شود. نه تنها دیگر نیروهای سیاسی کرد ایران از این نشست بی خبر مانده اند، بلکه این گفتگوها از نزدیکترین رهبران حزب دمکرات ایران نیز مخفی مانده است. محمد جعفری صحرارودی، سرپرست تیم ترور، به بهانه مشورت با رهبران خود به تهران روانه می شود. صحرا رودی در نقش

فرمانده سپاه در کردستان کارنامه ای سنگین از جنایت داشت و رابطه نزدیکی با رهبران اتحادیه میهنی، به ویژه با جلال طالبانی داشت.

هفت ماه بعد، در ژوئیه ۱۹۸۹، مذاکرات دوم، باز در وین پی گیری شد. به پیشنهاد جلال طالبانی دور دوم مذاکرات ۹ بهمن در وین از سر گرفته می شود. در است که «امیر منصور بزرگیان اصل» به عنوان حفاظت تیم جمهوری اسلامی به آنها اضافه می شود. او همان پاسدار غفور درجزی از فرماندهان سپاه پاسداران است که با پاسپورت جعلی وارد اتریش شده بود. در این جلسه جلال طالبانی و نوشیروان مصطفی، معاون اتحادیه میهنی کردستان عراق هم حضور دارند. جلسه بدون نتیجه می ماند و به دور سوم واگذار می شود.

ناصر تقی پور و عسکری، یک هفته پیش از تاریخ گفتگوها، از راه امارات متحده عربی، با گذرنامه ای اروپائی، وارد اتریش می شوند. اسلحه و نیازمندی های دیگر آنها را سفارت ایران، به وسیله ای احمدی نژاد در اختیار آنها قرار می دهند. نشست سوم، بعد از ظهر ۱۳ ژوئیه (۱۳۶۸) ۱۹۸۹ ترور قاسملو در وین انجام گرفت. یک عضو گروه گفتگو کننده بنام «عسکری» یا «مصطفی مصطفوی» با بازگذاشتن در آپراتمان، ناصر تقی پور و عسکری، به سادگی وارد می شوند و بسوی رهبران حزب دموکرات کردستان، عبدالرحمن قاسملو و عبدالله قادری و فاضل رسول ( کرد عراقی و استاد دانشگاه در وین )، آتش می کشانند. قاسملو و دو تن از همراهان در جا کشته می شوند. این نشست سوم باید بدون حضور جلال طالبانی و احمد بومدین رئیس جمهور پیشین الجزایر انجام می گرفت. بنابراین این دو باید از هرگونه خطری مصون می ماندند، شاهد ترور نمی بودند و با نبودن آنها در نشست نهایی، از گارد محافظ جلال طالبانی نیز آسوده می شدند. یکی از فرماندهان سپاه و عضو گروه گفتگو کننده به نام «جعفری شاهرودی» نیز به سببداکره کنندگان، زخمی می شود. جوخه ترور به وسیله سفارت حکومت اسلامی با همکاری بی دریغانه دولت اتریش، به ایران بازمی گردد. «جعفری شاهرودی» که خود را به کوچه رسانیده بود به وسیله پلیس به بیمارستان منتقل کردند. وی پس از ۱۴ ساعت، در پی دخالت سفارت جمهوری اسلامی، و همکاری دولت

اتریش، آزاد و به سفارت حکومت اسلامی برده شد و در آن جا پناه گرفت تا به ایران باز فرستاده شود (۱). چندی بعد ناصر تقی پور افسر سپاه قدس هنگام غواصی در رود کارون به قتل رسید. عضو دیگر تیم، عسکری، افسر دیگر سپاه نیز در سال ۱۳۸۱، هنگام ورود به محل کار خود، با گلوله‌ای که از مسلسل دژبانی شلیک گردید کشته شد. این ترور دولتی را «بی احتیاطی» دژبان اعلام کردند.

سی سال بعد در سال ۲۰۱۹ گزارشگر رسانه بی بی سی فارسی با توجه به اسناد و نیز دستیابی به نوار کاست گفتگوهای مخفیانه ضبط شده به وسیله قاسملو، از جمله چنین گزارش می دهد:

«سی سال پس از ترور عبدالرحمن قاسملو، رهبر وقت حزب دمکرات کردستان ایران، هنوز مقام‌های اتریش در این باره سکوت کرده‌اند. چرا؟»

در سی سالگی ترور آقای قاسملو سئوالات زیادی درباره ملاقات او با فرستادگان جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. چرا به مذاکره‌کنندگان اعتماد کرد؟ ضاربان که بودند؟ چرا دولت اتریش نمی‌خواهد این پرونده بازگشایی شود؟ آقای قاسملو در این مذاکرات به دنبال چه بود؟

به امید پیدا کردن روزه‌ای به پرونده ترور رهبران کرد به وین می‌روم. پرونده‌ای که پلیس و مقامات اتریشی نمی‌خواهند دوباره در باره آن صحبت کنند... از کانال‌های غیر رسمی توانستیم به سه نوار ضبط صوت دست پیدا کنیم که تا به حال در هیچ رسانه‌ای منتشر نشده. در حقیقت آخرین سه ساعت عمر آقای قاسملو که با نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در حال مذاکره بوده را ثبت کرده است.»

گمان می‌رود عبدالرحمان قاسملو مخفیانه مذاکرات را ضبط می‌کرده و بعد از ترورها پلیس نوارها را پیدا کرده. این نوارها صدای سومین دور مذاکرات مخفیانه آقای قاسملو با محمد

جعفری صحرارودی، مسئول تیم جمهوری اسلامی ایران در وین است. صدای محمد جعفر صحرارودی و مصطفی آجودی دو تن از فرستادگان جمهوری اسلامی هم شنیده می‌شود.

در نوار صوتی جعفری صحرارودی، کلی گویی می‌کند و منتظر آتش مسلسل است. گاهی هم مصطفی آجودی برای عادی سازی، چیزهایی می‌گوید. بنا به گزارش گزارشگر بی بی سی «تحقیقات پلیس نشان می‌دهد هنگام گفتگوها جعفری صحرارودی مشغول نقاشی روی صفحه‌ای کاغذی بوده. اما در آن طرف میز آقای قاسملو به تجزیه و تحلیل مسائل می‌پردازد. از تاریخ، فلسفه حزبش و خواسته‌های کردها، خودمختاری به روشنی و صریح سخن می‌گوید.» با شنیدن نوار گفتگوها سخنان قاسملو بیش از همه گویای خوشبینی وی و بی خبری از لحظاتی است که دفتر گفتگوها با آتش مسلسل بسته می‌شود. وی به نمایندگان حکومت اسلامی می‌گوید، "ما آدمهایی ماکسیمالیست و اکستریمیست نیستیم"، و با این گمان که نمایندگان حکومتی این اصطلاحات را نفهمیده باشند، می‌افزاید "ما زیاده خواه و تندرو نیستیم. انتظار هم نداریم همه خواسته‌های ما یکجا تحقق پیدا کند". و ادامه می‌دهد: «هیچ وقت قول ندادیم فلان تاریخ نمی‌دویم جمهوری اسلامی سقوط می‌کند یا در سرآشویی است. با اینکه با شما می‌جنگیم. با اینکه الان شما می‌دونید که اگر کسی در میدان مانده باشه ما هستیم. دیگه کسی باقی نمونده. با این همه ما واقع‌بینانه مسائل را تجزیه و تحلیل می‌کنیم".



**در پاسخ به دکتر قاسملو، جعفری صحرارودی**

به مرگ آیت الله خمینی اشاره می‌کند که حدود ۶ هفته پیش از جلسه رخ داده. او می‌گوید: "الان این حوادثی که اتفاق افتاد باعث شده مذاکرات افق روشن‌تری داشته باشد." و به وصیت

نامه خمینی اشاره می‌کند. فرمانده ترور، بی تاب به نظر می‌رسد و منتظر است تا فرمان شلیک داده شود.

### نشست ترور

به گزارش گزار شویژه پی گیری ترور در برلین از بی بی سی فارسی «روز ۱۳ ژوئیه یکی از اعضای حزب دمکرات آقای قاسملو را به هتل هیلتون وین می‌رساند. او می‌گوید قرار است دوستی را در این هتل را ملاقات کند. فاضل رسول در ورودی پشت هتل منتظر او بوده. دکتر قاسملو پنهان از چشم نماینده حزب دمکرات در اتریش و میزبان خود از در پشتی هتل سوار خودرو فاضل رسول می‌شود و به خانه او که محل برگزاری گفتگوها است می‌رود. خانه فاضل رسول که از کردهای چپ عراق است در خیابان «لینکه بانگسه» وین بود. یک روز پیش در نشست دوم، قاسملو و همراهان با نمایندگان تروریسم دولتی در خانه او دیدار کرده بودند.

«عبدالرحمان قاسملو، عبدالله قادری آذر و فاضل رسول میزبان جلسات حضور دارند و از طرف حکومت ایران محمد جعفری صحرارودی، مصطفی آجودی و غفور درجزی.»

ترویستهای حکومت اسلامی خواهان محرمانه نگه داشتن مذاکرات بودند. در نوار ضبط شده جعفری صحرارودی می‌گوید به این دلیل نخواستند جلال طالبانی در جلسه حضور داشته باشد چون او خیلی جاها درباره مذاکرات صحبت کرده، "با این روحیه که آقای طالبانی دارد ما فکر کردیم نباشد بهتره." خسرو بهرامی در آن زمان نماینده حزب دمکرات و میزبان قاسملو در وین از مذاکرات بی‌خبر بود. او به گزارشگر بی بی سی می‌گوید "پخش شایعه مذاکرات از طرف خود ایرانی‌ها [نمایندگان حکومت اسلامی] بود. می‌خواستند با این بهانه نگذارند جلال طالبانی حضور داشته باشد. شاید هم نمی‌خواستند او را هم بکشند. یا می‌دانستند اگر آقای طالبانی در جلسه حضور داشته باشد، همچون جلسات گذشته پیشمرگه‌های اتحادیه میهنی از جلسه حفاظت خواهند کرد و اجرای نقشه ترورها مشکل می‌شد."

خسروی بهرامی پس از سی سال به گزارشگر بی بی سی می گوید: «ساعت پنج صبح روز بعد از ترورها، جلال طالبانی از تهران با او تماس گرفته و گریه‌کنان گفته قاسملو همچون برادر او بوده و گفته صحرارودی مسئول ترورهاست. اما آقای بهرامی می‌گوید بسیار متعجب شد که همان روز ساعت چهار حزب جلال طالبانی در اطلاعیه‌ای حکومت بعث عراق را مسئول ترورهای وین خواند».

در بخش آخر نوار در باره نشست هایی در آینده گفته می‌شود. به گزارش بی بی سی «اما به نظر می‌آید در کپی که به دست آوردیم قسمت آخر عمدا حذف شده. یعنی جایی که تیراندازی شروع شده. این بخش اگر در دست بود می توانست جوابی شفاف‌تر به سئوالات ما بدهد.»

نزدیک به ساعت ۷:۳۰ غروب «مردی خونین کشان کشان از ساختمان محل مذاکرات خارج می‌شود. او محمد جعفر صحرارودی بوده. از ناحیه گردن و شانه زخمی شده. همسایه‌ها به پلیس زنگ می‌زنند. غفور درجزی از جیب او پاکتی را در می‌آورد و فرار می‌کند. اما دقایقی بعد غفور درجزی بر می‌گردد و داد می‌زند "دوست من، دوست من". پلیس او را بازداشت می‌کند.»

نماینده حزب دمکرات خسرو بهرامی بی خبر از نشست مخفیانه رهبر حزب خویش منتظر دکتر قاسملو نشسته است که از دیدار با یک «دوست در هتل هیلتون» تماس بگیرد. او از موضوع و حضور نمایندگان حکومت اسلامی بی خبر است، منتظر می ماند تا دکتر قاسملو بادوستان برای شام به خانه او بازگردند. با شایعه کشته شدن افرادی در شهر، خسرو بهرامی به نزدیک هتل می رود و پلیس از کشته شدن سه کرد خبر می دهد. به گفته آقای بهرامی به بی بی سی «پلیس او را برای شناسایی فرد زخمی شده به بیمارستان می‌برد. آنجا جعفری صحرارودی را می‌بیند که از ناحیه شانه و چانه زخمی شده و بیهوش روی تخت خوابیده. او را نمی‌شناسد. سپس او به مرکز پلیس برای شناسایی شخص بازداشت برده می‌شود.

خسرو بهرامی می‌گوید "در مرکز پلیس مردی ایرانی وحشت‌زده آمد و گفت آقا شما ایرانی هستی؟ و گفت نمی‌داند چرا او را بازداشت کرده‌اند. ناخودآگاه گفتم نمی‌دانی کی هستی؟ تو قاتل دکتر قاسملو هستی. روز بعد در روزنامه‌های اتریش دیدم شخص زخمی شده محمد جعفری صحرارودی بود و شخص بازداشتی امیر منصور بزرگیان اصل که با پاسپورت جعلی غفور درجزی به اتریش آمده". البته آقای بهرامی هنوز ایز اینکه امیر منصور بزرگیان اصل، نام ساختگی روی پاسپورت است و نام واقعی وی همان غفور درجزی دولق است.

کمتر کسی بود که حکومت اسلامی ایران را عامل این ترور نداند. حسین نقره کار شیرازی سفیر وقت ایران در اتریش برای آزادی تروریستها به تلاشی بسیار فشرده ای دست می‌زند. در بازجویی‌ها جعفری صحرارودی و غفور درجزی مبهم و متناقض پاسخ می‌گویند. جعفری صحرارودی می‌گوید «مهاجمان از در وارد شده و همه را به گلوله بستند.» اما گلوله‌ها از جایی که او نشسته شلیک شده بودند، یعنی برعکس گفته‌های وی، به سوی در ورودی. در ساختمان شکسته نشده بود، که خود نشاندهنده آن بود که پیشاپیش در برای ورود تروریستها باز شده بود. بنا به گزارش بی بی سی، «کارآگاهان معتقدند آقای قاسملو و فاضل رسول غافلگیر شده‌اند. اما عبدالله قادری آذر با مهاجمان درگیر شده و با چندین گلوله کشته شده... پلیس اسلحه‌ها و صدا خفه کن‌ها را پیدا می‌کند که از ایران آمده است. سلاح‌ها زمان شاه از اسپانیا خریداری شده بود. پلیس معتقد است احتمالاً یکی از گلوله‌ها کمانه کرده و به جعفری صحرارودی خورده. اما سناریوی دیگر این است که او با عبدالله قادری آذر گلاویز شده و گلوله‌ای اشتباهی به او برخورد کرده. چرا که چندین گلوله به قادری آذر اصابت کرده بود.»

اسکورت تا تهران



روز به خاکسپاری آقای قاسملو در پاریس، محمد جعفری صحرارودی و غفور درجری از وین به تهران پرواز می‌کنند تا دو ماه بعد دادستان وین بتواند با اطمینان از خروج آنها، حکم بازداشت هر دو را صادر کند.

اکبر هاشمی رفسنجانی در نقش رئیس دولت ترور، در کتاب خاطراتش درباره ترورهای وین نوشت، "در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۶۸، (هشت روز پس از ترور قاسملو و همراهان)، محمود واعظی (معاون وقت وزیر خارجه) تلفنی از تهران خبر داد که وزیر خارجه اتریش گفته است ایران در قتل قاسملو به احتمال زیاد دیده می‌شود. گفتم برای جواب مشورت کنید. گفت اتریشی‌ها خوب برخورد کرده‌اند. مامور ایرانی را تبرئه و به ایران اعزام داشته‌اند".

گزارشگر بی بی سی پس از سی و اندی سال می نویسد «برای دیدار با پیتر پیلز یکی از نمایندگان مجلس اتریش به پارلمان این کشور می‌روم. شهرت او در افشاگری فساد مالی و اداری دولتمردان اتریش است. او بود که رسوایی فروش اسلحه و توپ‌های نوری‌کام به عراق و ایران را افشا کرد. او نماینده حزب سبزها بود، مردی آرام که از پوشیدن کراوات خودداری می‌کند. پیتر پیلز بیش از دو دهه پیش به درخواست همسر دکتر قاسملو تحقیقات درباره این قتل‌ها را شروع می‌کند. او با ماموران پلیس پرونده گفتگو کرده و به بعضی از مدارک محرمانه دسترسی داشته. حاصل این تحقیقات کتابی به نام "اسکورت به سوی تهران" است.

صبح روزی که عبدالرحمان قاسملو ترور شد او با وزیر کشور اتریش در دفترش دیدار کرده بود. پیتر پیلز می‌گوید سال‌ها بعد منابعی در دستگاه‌های اطلاعاتی آلمان و اتریش و دولت به او گفته‌اند که آلمان‌ها مقامات امنیتی اتریش را از احتمال نقشه ترور دکتر قاسملو آگاه کرده بودند اما دولت اتریش به او نگفته که خطری جدی او را تهدید می‌کند و از او حفاظت نکرد.

ماموران پلیس واحد ضدتروریسم وین به پیتر پیلز گفته‌اند در پنج دقیقه اول به این نتیجه می‌رسند که قتل رهبران کرد سیاسی بوده و حداقل دو تن از عاملان قتل، جعفری

صحرا رودی و در جزی در بازداشت آنها هستند. اما او میگوید بر خلاف آلمان دستگاه قضایی اتریش مستقل نیست و دولت نفوذ زیادی دارد. او میگوید سیاستمداران می خواستند هر چه زودتر از شر ایرانی‌ها خلاص شوند. او میگوید " روزی که قتل‌ها رخ داد، اعضای دولت اتریش در یک بحث کوتاه یک تصمیم مهم می‌گیرند. این تصمیم مبنای سیاست دولت، تا پایان می‌شود. آیا باید به دنبال عدالت بود، یا متهمان را به تهران فرستاد؟ مقامات اتریشی و سیاستمداران بانفوذ در آن زمان باور داشتند بازگرداندن آنها به تهران منافع اقتصادی مهمی برای همه اتریش‌ها دارد. دقیقا همین کار را کردند".

این ماهیت بورژوازی است که در برابر پول زانو می زند و به هر جنایتی دست می زند. قاسملو با مرگ خمینی و شکست حکومت اسلامی در جنگ 8 ساله و شرایط بحرانی حکومت در سال 1367، حاکمیت را در موقعیتی آماده امتیاز بخشی و دادن سهم و امتیازی ناچیز از فعالیت و همکاری به حزب دمکرات در کردستان می بیند. پیام های دریافتی از سوی رفسنجانی که با وزارت اطلاعات و سران سپاه و شخص خامنه ای، نقشه ترور چهره ها و فعالین سیاسی در داخل و برون مرز را برای اجرا ابلاغ کرده، قاسملو را به توهم بیشتری افکنده است. به قاسملو پیام داده شد بود «که اکبر هاشمی رفسنجانی با حل مسئله کردها از راه مذاکره می‌خواهد مدیریت خود را پس از مرگ آیت الله خمینی نشان دهد.» گفته های دکتر قاسملو در نوار ضبط شده گویای آن است که وی به این باور رسیده بوده که حکومت اسلامی مایل است که «مسئله را حل کنند.» قاسملو به تروریستهای آماده شلیک، بی خبر از مسلسل های پشت در، به صحرا رودی پیشنهاد می‌دهد که هاشمی رفسنجانی و علی خامنه‌ای در نماز جمعه از خودمختاری کردها صحبت کنند و اینکه خودمختاری منافاتی با اسلام ندارد. قاسملو می‌گوید "مثل اینکه برای اینکه ما با جمهوری اسلامی مخالفت بکنیم شعار خودمختاری را علم کردیم. نه خیر، این شعار بوده. بعد از انقلاب ایران اختراع نشده این شعار."

آقای قاسملو، همان خواست ها و اهدافی را دنبال می کرد که بورژوازی پیرامونی. او امتیازهای از دولت مرکزی می خواست تا در کردستان برای حکومت مرکزی به منطقه ای امن تبدیل کند و مرزبان کل بورژوازی باشد. عبدالرحمان قاسملو، پیش از پیوستن به حزب دمکرات، عضو حزب توده ایران بود. در فرانسه دانشجوی بود که با سخنرانی علیه شاه مجبور به ترک پاریس شد و در سال ۱۳۲۷ با بورسیه ایرانی "اتحادیه بین المللی دانشجویان" به پراگ رفت. از دانشگاه پراگ در رشته علوم سیاسی دکترا گرفت. و در رادیو حزب توده در پراگ فعالیت می کرد. او یک سوسیال دمکرات بود که مناسبات سرمایه داری را با رفرمهایی، «دمکرات» می شمرد. دمکراسی بورژوایی برای او یعنی به رسمیت شناختن مناسبات طبقاتی، مالکیت خصوصی بورژوایی، استثمار و ستم طبقاتی و آراء و سهم سرمایه داری همان هدف نهایی او و حزب دمکرات کردستان ایران بوده و هست. وی در سال ۱۳۵۳ دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران شد. پس از انقلاب، نماینده استان آذربایجان غربی در مجلس خبرگان قانون اساسی و مدتی با مسعود رجوی به شورای ملی مقاومت رجوی همراه شد اما به دلیل مذاکره مخفی با جمهوری اسلامی از مجاهدین کناره گرفت. در نوار ضبط شده در آخرین لحظات پیش از ترور گفته های قاسملو رو به جعفری صحرارودی هشدار می دهد «اگر این مطالبات کردها نادیده گرفته شود در آینده نسل دیگر به دنبال جدایی خواهند بود.» و "هیچ کس از ما ایرانی تر نیست. نسل ما نسل دمکراسی و خودمختاریه. حالا یکی دیگه بیاد فردا بخواد استقلال بگیره برای کردستان، یا نمی دونم سوسیالیزم درست بکنه برای کردستان، من اون موقع دیگه من مسئول نیستم".

دکتر قاسملو می افزاید: "هر دو طرف نباید کاری کنیم که به تمامیت ارضی ایران لطمه ای وارد شود. اگر شما حقوق ما را بدهید و خودمختاری را قبول کنید. ما بخشی از ایران هستیم. مشکل ایران مشکل ما هم خواهد بود. ما هم برای کمک به حل مشکلات کمک خواهیم کرد." و.. "خواستی که ما داریم اگر تحقق پیدا کند کوچکترین ضربه ای به تمامیت ارضی و استقلال ایران نمی زند. بر عکس امنیت ۹۰۰ کیلومتر از مرزهای ایران تامین می شود. اگر

خودمختاری کردها در ایران تامین بشه، کردهای ترکیه و عراق به طریق اولی به سوی ایران جذب خواهند شد".

جوخه ترور با انجام ماموریت کشتار به ایران باز می گردد و تروریستها، در ایران، در پست‌های حساسی مشغول به کار شدند. آنها بیشتر پیرامون علی لاریجانی رئیس مجلس اسلامی بوده‌اند. محمد جعفری صحرارودی از فرماندهان سپاه قدس، از جمله تروریست-دیپلمات‌های حکومت اسلامی است که در پست‌های معاونت امنیت داخلی شورای عالی امنیت ملی، عضو تیم مذاکره کننده هسته‌ای در دوره ی علی لاریجانی و حال مسئول دفتر رئیس مجلس ایران و هیئت دیپلماتیک سپاه در کردستان عراق و منطقه است. سال ۲۰۰۷ نیروهای ویژه ارتش آمریکا به کنسولگری حکومت اسلامی در اربیل حمله کرد و هدف دستگیری محمد جعفری صحرارودی بود. پیش از رسیدن نیروهای امریکایی به اربیل، سران اقلیم او را با خبر و فراری می دهند. حکومت آمریکا وی را از عوامل سازماندهی حملات بمب‌های کنار جاده‌ای به نیروهای این کشور در عراق می داند. اوایل سال 1398 بار دیگر نام غفور درجزی دوباره در رسانه‌های ایران آشکار شد. این بار، علی دایی فوتبالیست و از عوامل حکومت اسلامی در ورزش فوتبال، در رقابت های درونی پس از اخراج از مربیگری تیم فوتبال سایپا فاش کرد که مصطفی مدبر، مدیر کل تیم سایپا برای او «وجود حقوقی و حقیقی» ندارد. چرا که او همان سردار غفور درجزی دولق مدیر کل سابق حراست سازمان صدا و سیما می باشد. آشکار شد که غفور درجزی، فرمانده پیشین واحد عملیات نیروی قدس سپاه ، به نام سردار غفور، سال‌ها مدیر کل حراست صدا و سیما بوده و در شورای عالی امنیت ملی، و تا امروز با نام مصطفی مدبر، مدیرکل سایپا و سرپرست تیم فوتبال سایپاست»<sup>(ii)</sup>.

تاریخ تکرار می شود، اما این بار نه با ترور شرکت کنندگان که با ترور جنبش انقلابی کردستان. طرح توطئه که پس از یکسال و نیم پیمان سکوت به میانجیگری نمانده گان نروژی (نورف) برای انحلال جنبش های انقلابی در خفا به پیش می رفت، از پرده برون افتاد.



از راست، صحرارودی، علی لاریجانی، جلال طالبانی

این نوشتار بازنویسی و ویرایش جدیدی است از کتاب: «ترکیب ایدئولوژی و بمب»، عباس منصوران، سال 2006، نشر شورای کار.

---

<sup>i</sup> - چکیده شده از گزارش دکتر پیتر پیلز، نماینده مجلس اتریش و از رهبران حزب سبزها در اتریش. دکتر پیلز عضو کمیسیون امنیت مجلس اتریش و از پی گیران ترورهاست. وی به همراه یک گروه تلویزیونی، جمعه ۲۰ مه ۲۰۰۵، به فرانسه آمد و در محل سکونت بنی صدر، با شاهد D بمدت ۱ ساعت، گفتگو کرد. گروه تلویزیونی فیلمی از گفتگوهای دکتر پیلز با بنی صدر در ۱۳ مه، شب هنگام در اتریش پخش کرد.

<http://www.bbc.com/persian/iran-features-49007137>